

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین یوم ویر زنده بک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Social

ادبی - اجتماعی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

زکاتِ حُسن

به تو تمکین و صفای زبید
عشوه و ناز و ادا می زبید
مرکز مهر و وفایی، صنما
کمکی، جور و جفا می زبید
گهی دل بردن و گه، دل دادن
مهربانی و سخا می زبید
شام گردید و همه منتظرند
حکم افطار، ترا می زبید
گرهلال رخ تو، روزه شکن
به همه دین، بقا می زبید
به تو زکاتِ حُسن، فرض شده
که مرا، نامِ گدا می زبید
رمضان آمد و رفت، عید رسید
عیدی برما، فقرا می زبید
دست من در طلب تحفه دراز
خیر و خیرات شما می زبید
شب عیدست و ز خون دل من
به دو دست تو، حنا می زبید
روژه هموطنان، باد قبول
ز منت، صرف، دعا می زبید
حال از شاعر گستاخ، شنو
یادی از کرب و بلا می زبید
ای الاهی! به من الهام فرست
برملا، ریب و ریای زبید
جمعی بنشسته پی (فتد ریزنگ)

لقبی ، شیخ و ملا می زبید
 ده لک و قرضه با سود ز بانک
 جمع ، بی چون و چرا می زبید
 کش و چک ایورو و هم دالر و پوند
 نیم آن کرده هوامی زبید
 وای بر تاجر و ، بر تاجره ها
 ز ره دین ، ربامی زبید
 بیوه زن ، نان ندارد به وطن
 سنگ مسجد ، ز طلا می زبید
 خون دل میچکد از چشم یتیم
 سر و جانم ، به فدا می زبید
 نه شفاخانه و نه مدرسه ای
 دانش و علم ، فنا می زبید
 ای برادر ، کمی انصاف نما
 ترک هر گونه دغامی زبید
 ز ره دین ، تجارت تاکی
 به شما ، قهر خدا می زبید
 علما ! حرف مرا گوش کنید
 ترسی از روز جزا می زبید
 زائر دل شده اعمار کنید
 خانه ای در دو سرا می زبید
 « نعمتا » نقد ، به امر علما
 حلقه دار ، ترامی زبید

(30 سپتمبر 2008)